

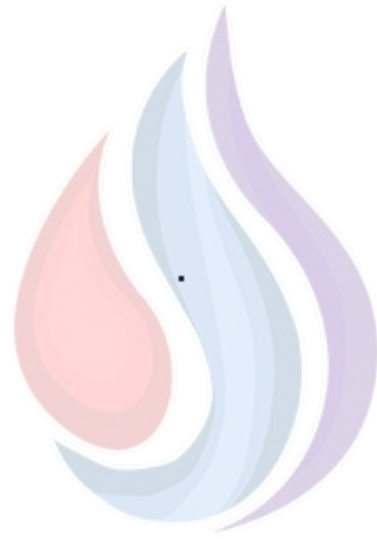


چهار پیام تاریخی «امام»



۴ پیام تاریخی «امام»






Terrorspring



* ۴ پیام تاریخی «امام»
* انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران
* چاپ اول
* آذر ۵۸

فهرست

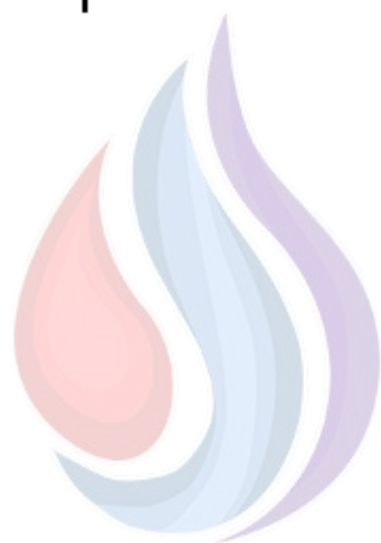
- 
- سخنان «امام خمینی» خطاب به نماینده‌ی ویژه‌ی پاپ ۷
- پیام «امام خمینی» به خواهران و برادران کرد ۱۹
- سخنان «امام خمینی» خطاب به پاسداران، در «قم» ۲۵
- پیام «امام خمینی» به «شورای امنیت» فرمایشی ۳۱

سخنان «امام خمینی»

خطاب به

نمایندگی ویژه «پاپ»

در «قم»



TerrorSpring

۱۹ آبان ۵۸ – ۱۹ ذی‌الحجه ۹۹

بسم الله الرحمن الرحيم

من اگر در این موقع حساس، مقامات دیگری تقاضای ملاقات کرده بودند برای این موضوع، نمی پذیرفتم. لکن مقام روحانیت ملت مسیح و پاپ اعظم، احترامی دارند که ما پذیرفتیم، و اتفاقاً خوشحال هم شدم از اینکه ایشان پیام فرستادند تا من مطالبی را بسه ایشان تذکر بدهم. نزد من و ملت ما، بلکه ملتهای مستضعف جهان - اعم از مسلمین و نصاری و غیر آنها - یک نقطه ابهام وجود دارد که میل دارم این نقطه ابهام را تذکر بدهم. گوش سی و پنج میلیون جمعیت ایران که پنجاه سال در زیر یوغ استعمار به خصوص آمریکا و اخیراً فشار مخصوص آقای کارتر هستند، و همچنین میلیونها جمعیت مستضعف دنیا، در انتظار نوازشی از مقام روحانیت پاپ بود. نوازش پدرانهای که لااقل استفسار از حال این مستضعفین بکند و نسبت به مستکبرین که به اینها ظلم کرده است هشداری داده شده باشد، و میانجیگری کرده باشد، بین ملتهای مستضعف و آن ابر قدرتها، که خودشان را مسیحی معرفی میکنند. این گوشها، همچون ندای روحانی ای را نشنیده. ما پنجاه سال کشته دادیم، کشته های دسته جمعی، در حبس بودیم، حبس های غیرانسانی، که بهترین افراد این ملت را در آنجا شکنجه های غیرانسانی میدادند، و یک میانجیگری در کار نبود و آقای پاپ اعظم به فکر این نیفتادند که از این ملت مستضعف، پشتیبانی کنند، یا لااقل میانجیگری کنند، که ایشان دست از سر این

مستضعفین بردارند. چه شد امروز که ملت ما و جوانهای ما، که سالهای طولانی تحت فشار و تحت رنج بودند رفتند و چند نفری را که در آن لانه جاسوسی به سر میبردند و عامل توطئه و جاسوسی برضد ملت ما بودند، بلکه برضد منطقه، و قرائن و شواهد بر این امر زیاد است، بزرگترین شاهد اینکه تمام پرونده‌ها و چیزهایی را که در آنجا بوده است تا توانستند بدل به پودری کردند، که دیگر قابل استفاده نیست.

اگر این‌ها یک مسائل سفارتی بود و مربوط به توطئه‌هایی برضد ملت ما نبوده است محتاج به این عمل نبود. حالا توطئه برای ملت ما ثابت شده است، و عمل جوانان ما را تمام ملت و قشرهای آن - الأبعضی منحرفین در اینجا و در سایر معالک دیگر - از آن پشتیبانی کردند، و این خواست تمام ملت ما بوده است، نه خواستی که از روی هوای نفسانی باشد. توطئه‌ها در آنجا برضد بشر و کشورهای اسلامی به‌خصوص برضد ایران است. این حق از برای ملت ما هست، سفارتخانه‌ها حق قانونی ندارند که جاسوسی بکنند و سفارت آمریکا آنطوریکه کارشناسان تا کنون توانسته‌اند بفهمند مرکز جاسوسی و توطئه بوده است. چه شد که در این وقت آقای پاپ اعظم، به فکر این افتادند که برای حسن انساندوستی، آنانرا، آزادشان کنند؟ خوب انسان با دشمنان خودش هم رفتار خوب میکند، این جوانها که اسلامی هستند آن‌طور که من شنیده‌ام رفتارشان رفتار انسانی بوده است، و نباید هیچ نگرانی از این بابت داشته باشند. و اما راجع به‌رهائی اینها، ما باید ببینیم که چه می‌خواهیم و ملت ما چه می‌خواهد؟ آن چیزی که ملت ما می‌خواهد آیا یک امر غیرمشروع است؟ یا یک امر انسانی است؟ آیا بشر دوستی وادار کرده است این جوانهای ما را که بروند و این مرکز را بگیرند و نگذارند توطئه به‌ثمر برسد، یا خلاف آن بشردوستی است، آن چیزی که ملت ما می‌خواهد این است که، ملت از این آدم که الان در آمریکا هست، سی‌وهفت سال تقریباً رنج دیده است، و سی‌وهفت سال به این ملت خیانت

کرده است، و سی و هفت سال جوانهای ما در تحت سلطه ایشان زندگی انسانی نداشتند، و سی و هفت سال اختناق همه جانبه بر این مملکت و بر این ملت از طرف ایشان حکمفرما بوده است.

با دست خودشان - بطوریکه نقل می کنند - و یا مباشرت در پانزده خرداد ۴۲، عده کثیری را قتل عام کرده، و با امر او از پانزده خرداد تا کنون شاید بیش از صد هزار نفر مقتول و صدها هزار نفر مجروح و معلول باقی مانده. این ملت، با این همه رنجی که کشیده است، حالا می خواهد که این جانی برگردد و از روی عدالت محاکمه بشود، اگر محکوم شد که اسوال ما را که برده است از او بگیرند. الان اسوالی که از مملکت ما به دست ایشان و کسانی که مربوط به ایشان است و بانکهای خارج را از امریکا گرفته تا مالک غربی، پر کرده، در صورتیکه من خودم میدانم و ملت ما هم آنکه به سن من است، مشاهده کرده است و آنکه نیست شنیده است که تاریخ در مورد او گفته است، که پدر ایشان وقتی کودتا کرد، هیچ نداشت، یک سرباز صفر بود وقتی که برای مملکت سلطه پیدا کرد شروع کرد به زور املاک مردم را گرفت، شمال مملکت ما «مازندران» بهترین املاک سرسبز، با فشارهای او و عمال او، به زور به قبالت او درآمد، و بسیاری از کسانی که مالک بودند، یا روحانیونی که در این امر نظری میدادند، او را می گرفتند و به حبس می بردند و گاهی می کشتند. و در زمان خود رضاشاه قتل عام مسجد گوهرشاد را من به خاطر دارم، و کسانی که به سن من هستند به خاطر دارند، که در مسجد و معبد سلیمین که مرکز اقامه نماز و عبادت خدا بود، ریختند و یک عده مظلوسی را که برای دادخواهی آنجا مجتمع شده بودند، قتل عام کردند و از بین بردند. وقتی که از ایران بیرون رفت، یعنی بیرونش کردند، جواهرات ایران را هر چه توانست در چمدانهای زیادی ریخت و از این جا برد، و در بین دریا انگلیس ها از او گرفتند و بردند و خوردند. تا اینکه نوبت به پسر رسید، که همین پسر جانی را متفقین بر ملت ما تحمیل کردند.

در صورتیکه ملت ما به جهت آن چیزها که از پدر دیده بود هیچ راضی به این نبود که پسر او را بپذیرند. لکن به ملت ما او را تحمیل کردند و این تحمیل سبب شد که هر چه آنها بخواهند، این دست و چشم بسته، در اختیار آنها بگذارد. اگر بخواهیم در طول مدتی که او سلطنت داشت خیانت‌هایی که به ما کرده است بشمریم بسیار زیاد است. لکن از نمونه‌هایی که به اسم خدمت به این کشور انجام داده است مأسوریتی بوده است که در ازای نفتی که از مملکت ما برای آمریکا خارج می‌شود اسلحه و مهمات بگیرد. در صورتی که آن اسلحه و مهمات برای خودشان و برای پایگاه‌های آمریکا بوده است، و این آدم، نفت ما را داد و برای آنها به اسم پول نفت پایگاه درست کرد. در این پانزده سال اخیر، آنقدر خیانت کرد، و آنقدر جوانهای ما را کشت، و آنقدر حبس‌های او از جوان‌های ما پر بود، که نمی‌توانیم بشمریم.

ما میل داشتیم که در طول این مدت، از طرف یکی از مقامات روحانی خارج و به خصوص روحانی بزرگ نصاری، یک تفقدی از حال این ملت ضعیف شده باشد. من نمی‌توانم باور کنم که «واتیکان» از این مسائل بی‌خبر بوده است، و نمی‌دانم این نکته ابهام را چه بکنم؟ اگر ملت از من پرسید که روحانیت مسیح موافق با این جنایاتی که اینها کرده‌اند می‌باشد من چه جوابی به اینها بدهم؟ روحانیت مسیحی که می‌داند قرآن کریم به طرفداری از مسیح و طرفداری از صدیقه طاهره - مریم - برخاست، و آن چیزی که خلاف واقع نسبت به آن طاهره مطهره می‌دادند با صراحت تکذیب کرد، و این‌طور طرفداری از عیسی مسیح کرده، و باز، طرفداری از علمای نصاری، رهبانان و قدیسین نصاری در قرآن شده است. در عین حالیکه اسلام طرفداری از مسیح و علمای مسیحی کرده است، ما میل داشتیم که گوش ما را یک وقت هم نعمه امثال آقای پاپ نوازش بدهد، و استفسار کند، که این ملت چرا با این وضع به سر می‌برد، و از کارتر بپرسد، و استیضاح کند، که چرا یک همچون آدمی را

شما بر این ملت مسلط کردید؟ و الان هم از کارتر بپرسد که چرا یکنفری که سی و چند سال خیانت و جنایت کرده است، و جنایات و خیانات او مشهود است، چرا او را بردید و نگاه داشتید، و باز در آنجا هم می‌خواهید توطئه بکنید؟ ما از دست و پا کردن کارتر هیچ تعجب نداریم، برای اینکه او بردی است سیاسی، و نه به معنی سیاست سالم، به معنی سیاستی که در نظر امثال کارتر است، او به هرطور که شده، برای خود و منافع شخصی، و یا به توهم اینکه منافع ملتش است، دست به هر جنایتی می‌زند، که مبادا این اشخاص که الان پیش این جوانهای ما هستند از آنها مسائلی کشف بشود. او باید این کار را بکند، لکن آقای پاپ چرا واسطه می‌شوند، ما، بین یک ملت مظلوم که می‌خواهد یک مقداری از ظلمهایی که به او شده است کشف کند، و به مردم و مستضعفین بفهماند که چه ظلمهایی به او شده است، و چرا این‌ها ظلم می‌کنند، و می‌خواهند ظالم و توطئه‌گر را محاکمه کنند.

ما اگر می‌توانستیم پیش قدم می‌شدیم که ایشان در یک کشور دیگری محاکمه بشود. لکن، آن جرائمی که او کرده است، و آن پرونده‌هایی که ما از او داریم، و آن شهودی که بالغ بر چندین میلیون هستند و ما داریم، به کشاورزها ظلم شده است، به کارگرها ظلم شده است، به علمای دین ظلم شده است، به دانشگاهی‌ها ظلم شده است، و این‌ها همه شاهد‌های ما هستند، و ما نمی‌توانیم چندین میلیون جمعیت، بیشتر از بیست میلیون جمعیت را، برای شهادت به خارج ببریم، لکن ما برای اینکه احترامی به مقام پاپ گذاشته باشیم، حاضریم او را در مملکت ما بیاورند و آقای پاپ هم نمایندگانش را به اینجا بفرستند، و هر کس هم می‌خواهد نمایندگان بفرستند، و در دادگاهی که از او دعوت کرده است شرکت کنند، او را برای دادخواهی در حضور نمایندگان پاپ، و نمایندگان هر کس دیگر، حتی نماینده بدترین دشمن ما، که عبارتست از کارتر است، بیایند و محاکمه کنند، و هرطوری که محکمه حکم کرد، ما و ملت ما، حاضر است، و آقای پاپ، این را بداند که مسئله

مسئله‌ای نیست که من بتوانم به‌شخصه حل کنم. ما بنا بر این نداریم که تحمیلی به ملت بکنیم، و اسلام هم اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آراء ملت هستیم. ملت ما هر طوری رأی داد از آنها تبعیت می‌کنیم. خدای تبارک و تعالی و پیغمبر اسلام به ما حق نداده‌اند که به ملت ما چیزی را تحمیل بکنیم.

بله، ممکن است گاهی وقت‌ها ما یک تقاضائی از آنها بکنیم، تقاضای متواضعانه، تقاضائی که خادم یک ملت، از ملت می‌کند، لکن اساس این است که این مسئله دست من و امثال من نیست، و دست ملت است، و ملت پشتیبانی از این کار را اعلام کرده است. به طوری که اگر اطلاع داشته باشید رادیو، کلیه تأییدات مردم را اعلام می‌کرد و انسان خسته می‌شد، در هر صورت مسئله‌ای که ما می‌خواهیم یک مسئله انسانی است، یک مسئله‌ای است که بشر دوستی اقتضای آنرا می‌کند. ملت ما به اعتبار اینکه مسلم است، بشر دوست است، و شما هم به اعتبار اینکه ملت مسیح هستید، باید تبعیت از مسیح بکنید و بشر دوست باشید، آنطوری که حضرت مسیح بود، و حس بشر دوستی است که ملت ما را وادار می‌کند که به جنایات ایشان رسیدگی بشود، تا معلوم گردد که، کی در دنیا ایشان را وادار به این جنایات کرده است. مردم دنیا بفهمند دشمن بشر چه کسی است، و چه کسی او را وادار کرده است که تمام قدرت خود را صرف ظلم کردن به ما و جنایتکاری، و بردن ذخایر ما بکنند و تا ملت‌ها عبرت بگیرند. بنابراین آقای پاپ چه حکم می‌کند؟ من از ایشان می‌خواهم با کارتری که به ایشان ملتجی شده است تماس بگیرند، و مسائل را درست بررسی کنند، و اشخاصی بفرستند آنجا مسائل را بررسی کنند. اگر واقعاً آقای پاپ تشخیص دادند که آن همه ظلم‌هایی که به ما شده است، و این همه قتل‌عام‌هایی که شده است، و این همه ذخائری را که از این ملت ضعیف بردند، ملتی که الان هم در کنار شهرهایش، حتی شهر تهران، نه‌خانه دارند و نه‌نان دارند و نه کار دارند،

معدالک ذخائر ما در بانک‌های خارجی به دست ایشان انبار شده است. اگر واقعاً آقای پاپ این مطلب را صحیح می‌دانند، اگر ایشان این مطلب را نشنیده‌اند، حالا ما به ایشان اعلام می‌کنیم که مسئله این است. اگر باز ایشان می‌گویند که باید وسائل رفتن اینها را بدون اینکه آن «آدم» را به ما تحویل بدهند و بدون اینکه حاضر به محاکمه بشود، فراهم کنیم. اعلام بکنم و ما گمان نمی‌کنیم ایشان چنین اعلامی را بکنند برای اینکه ایشان و اصولاً هر انسانی حتماً با اینطور جنایات مخالف است.

در هر صورت ما حرف غیرمشروع نداریم. ما حرفی داریم که هر جای دنیا بپرید—الا پیش کارتر—قبول می‌کنند. حرف صحیح است. جنایتکار ما را بردید و نگاه داشته‌اید بدهید، دست ما. این شخصی که جوان‌های ما را کشته در تاسوه گذاشته و بوداده است، پایشان را اره کرده است. بدهید ما تا در حضور نمایندگان همه به عدالت محاکمه کنیم. اگر ما خلاف گفتیم، ایشان را باز بیاورند و به تخت سلطنت بنشانند و مردم همه تبعیت کنند و اگر چنانچه او خلاف گفته و آقای کارتر خلاف میکند، شما به حسب نفوذ معنوی که دارید آقای کارتر را استیضاح کنید. شما بدانید که این‌ها به اسم اینکه ما مسیحی هستیم برخلاف مسیر مسیح رفتار میکنند. اینها بعضی از جناح‌ها را در محل‌های خودشان اغفال کرده‌اند. آقای پاپ باید بفکر ملت مسیح و همه ملت‌های مستضعف باشد. به فکر آبروی مسیحیون باشد. اینطور اشخاصی که به اسم مسیح همچون کارهای خلاف مسیر مسیح را انجام می‌دهند، مثل آقای کارتر را به ملت امریکا و به تمام مسیحیان معرفی و اعلام کند و جنایات این را برای مردم بشمارند و همانطوری که ما نسبت به محمدرضا عمل کردیم، که به مردم شناساندیم، مردم می‌شناختند، لکن تبلیغات کردیم شما هم این کار را انجام بدهید و ما در این صورت از شما متشکر خواهیم بود.

ما به حکم اینکه مظلوم هستیم نزد شما دادخواهی می‌کنیم که ملت

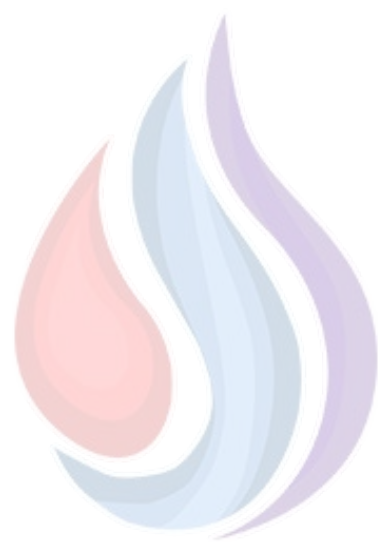
مسیح را نجات بدهید. نجات به این است که این اشخاصی که در ممالک بزرگ به اسم مسیح و به اسم مسیحیت این جنایات را می کنند برای مسیح علیه السلام خوب نیست و آبروی مسیحیون مشوه می شود.

من به شما آقای پاپ عرض می کنم که اگر عیسی مسیح امروز بود کارتر را امتیضاح می کرد. اگر عیسی مسیح بود ما را از چنگال این دشمن خلق و دشمن بشر نجات می داد و شما نماینده ایشان هستید شما باید همان کاری که مسیح می کند، بکنید. خداوند انشاء الله که همه ما را به وظایف الهی و به وظایف دینی آشنا کند و همه ما طرفدار مظلومین باشیم. امید است که آقای پاپ توجهی به حال این ملت مظلوم کند و ما را از اینکه نمی توانیم الان به این وضع مسائل ایشان را بپذیریم معذور دارند، لکن مسئله اولی که ایشان گفتند که با این ها خوش رفتاری بکنند، این مسئله حاصل است و من میل دارم شما که نماینده آقای پاپ هستید بروید و اینها را ببینید و به بینید که آنها چه وضعی دارند؟ با آنها صحبت کنید که آیا آنها وضع بدی دارند؟ خوف نداشته باشید، از اینکه اینها ناراحت باشند ابداً ناراحت نیستند.

لکن آقای کارتر تشبیهات زیادی کرده است و مثل یک غرقی است که به همه چیز تشبیه کرده است. گاهی از سوی یک جبهه ای می ترساند که دخالت نظامی می شود، گاهی گفته می شود که از حیث اقتصاد محصور می شویم و مع الاسف یک نفر آدمی که خود را ایرانی می داند و می گوید قبل از اینکه مسلمان باشم ایرانی هستم در صورتی که او را نه مسلمان می دانند و نه ایرانی از کارتر تقاضا می کند که ایران را محاصره اقتصادی بکند، این ایرانی بنام «بختیار» که در انگلستان است و می گوید: «من ملی هستم»، آن مطلبی را که یک روز می گفتم شاهدش امروز پیدا شد. یک روز گفتم که آن ابر قدرت ها ممکن است که بیست سی سال یک کسی را در یک مقامی یا یک وجهه ای حفظش کنند و نوکر آنها باشد، لکن مأمور باشد، که لباس ملی به خودش بپوشاند مثل بختیار که خودش را به دکترومصدق بسته است و

می‌گوید ملی هستیم. بعد از اینکه این قدرت‌ها گذشت، آنروزی که باید از او استفاده کنند بعد از بیست سال استفاده می‌کند. سالهای طولانی در جبهه ملی بود و مدعی ملیت بود و مدعی بود که من اول ایرانی هستم و در درجه دوم مسلمان با اینکه این خودش کفر است، معذالک آنروزی که آنها می‌خواستند این عنصر بدریشان بخورد، خورد و بجای بدترین مخلوق خدا که محمدرضا بود مشغول به آدم‌کشی شد و جنایت و دستور آدم‌کشی داد. منتهی از او اطاعت نکردند. او هم می‌گفت که این ملت را به حصار اقتصادی بکشید و این هردو را من باید بگویم ما نه از اقدام نظامی می‌ترسیم و نه از محاصره اقتصادی برای اینکه ما شیعه ائمه‌ای هستیم که آنها شهادت را استقبال می‌کردند ملت ما هم امروز شهادت را استقبال می‌کنند، فرضاً که آقای کارتر بتواند افراد نظامی به این جا بیاورد یا اینکه نمی‌تواند همچون کاری بکند، فرض می‌کنیم که تفاهم کند و ابرقدرت‌ها به ایران، نظامی بفرستند، ما سی و پنج میلیون جمعیت داریم که بسیاری از این‌ها، آرزوی شهادت می‌کنند ما با این سی و پنج میلیون به میدان می‌رویم، بعد که ما همه شهید شدیم خودتان با ایران هر کاری که می‌خواهید بکنید، ما از این نمی‌ترسیم. ما سرد جنگی هستیم ما مرد مبارزه هستیم جوان‌های ما معارضة و مبارزه با تانک‌ها و توپ‌ها و مسلسل‌ها کرده است، آقای کارتر ما را از مبارزه نترساند ما اهل مبارزه هستیم ولو ابزار مبارزه نداشته باشیم اما قضیه اقتصاد، ما یک ملتی هستیم که به گرسنگی خوردن‌ها عادت کردیم ما سی و پنج سال یا پنجاه سال در این گرفتاری‌ها بودیم و به این گرسنگی خوردن‌ها عادت داریم ما روزه می‌گیریم اگر بنا باشد که آنها فرضاً که به‌توانند محاصره اقتصادی کنند و همه ملت‌ها تبع ایشان بشوند و حال آنکه خیالی است خام و همچون چیزی تحقق پیدا نمی‌کند. فرضاً تحقق پیدا کند، که ما همان جو و گندمی که در مملکت خودمان کشت می‌کنیم همان مقدار کافیت، ما در هر هفته یک روز گوشت می‌خوریم، گوشت خوردن هم خیلی چیز خوبی هم نیست و در یک روز ممکن

است یک وعده غذا بخوریم ما را از این چیزها نترسانند. اگر امر دائر بشود به اینکه آبروی ما حفظ بشود و یا شکمان سیر بشود ما ترجیح می‌دهیم که آبرویمان حفظ بشود و شکمان گرسنه باشد. من از شما می‌خواهم که سلام من را به آقای پاپ اعظم برسانید و بگوئید که روی علاقه دینی که ما به هم داریم، همه اهل توحید هستیم، اهل خداشناسی هستیم، ما از شما می‌خواهیم که به این ملت ضعیف کمک کنید و نصیحت پدران به همه قدرت‌ها بکنید و آنها را استیضاح کنید.



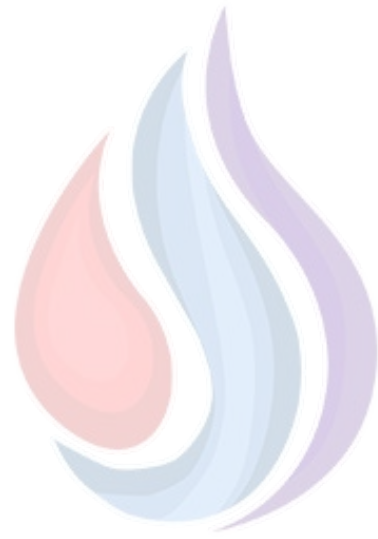
TerrorSpring

پیام «امام خمینی»
به
خواهران و برادران کرد
در
مورد «حق تعیین سرنوشت»



TerrorSpring

۲۶ آبان ۵۸ – ۲۶ ذی الحجه ۹۹



TerrorSpring

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر خواهران و برادران کرد که با وفاداری خود به اسلام و جمهوری اسلامی از توطئه خائنین به کشور جلوگیری کردید. گزارشات هیأت ویژه همانطور بود که متوقع از برادران و خواهران کرد بود، که هرگز خود را از اسلام و ایران جدا نمیدانند و آنچه بدخواهان به آنان نسبت میدهند چیزی جز فساد و توطئه‌گری نیست. اکنون من باید به شما برادران و خواهران کرد و سایر برادران مطالبی را تذکردهم.

۱- در این موقع حساس که ملت ما با چپاولگران که در رأس آنها آمریکا مواجه هست و برای احقاق حق و به دست آوردن ذخائر هنگفتی که محمدرضا پهلوی به غارت برده، و به محاکمه کشیدن این جانی قیام نموده و همه قشرهای ملت با هم در این امر حیاتی متحد و همصدا شده‌اند، برادران و خواهران کرد ما هر جا هستند باید به طور اولویت در این امر شرکت کنند و با سایر خواهران و برادران هماهنگ شوند، و لازم است از اختلافاتی که بدخواهان ایجاد میکنند به طور قاطع جلوگیری کنند.

برادران من، امروز هر اختلافی به نفع آمریکا و دیگر اجانب است. آنان هستند که از اختلاف ما بهره‌گیری میکنند ما را میخواهند به اسارت بکشند. بپا خیزید و توطئه‌گران را نصیحت کنید، و در صورت عدم قبول، از خود برانید و از مناطق خود بیرون کنید یا آنان را گرفته، تسلیم مقامات دولتی کنید.

۲- اینجانب و همه ملت، از ستمهایی که به شما برادران کرد در طول

حکومت استبدادی شده است و از تبعیض‌هایی که برخلاف اسلام بر شما روا داشته‌اند مطلع هستیم، لکن باید بدانید که این شما برادران نبودید که مورد ستم و ظلم واقع شدید، سایر برادران ترک، لر، عرب، بلوچ، فارس و ترکمن هم با شماها شریک بوده‌اند، و همه محروم بودند از آنچه شما محروم بودید، شما اگر به زاغه‌نشینان و گودنشینان تهران توجه نمائید خواهید دید آنان از همه محروم‌ترند، اینجانب میدانم که در حکومت موقت هم آنطور که خواست شما و ملت است رسیدگی نشده، لکن باید بدانید باز در این امر، همه برادران شما شریک میباشند و دولت موقت با کمال جدیت، اشتغال به کار و سامان دادن بود، لکن آشفتگیها به قدری زیاد است که اصلاح محتاج به زمان است، و من امیدوارم که برای همه ملت و برای شما برادران کرد وسائل رفاه حاصل شود.

۳- شما برادران میدانید که نوسازی و عمران در محیطی که آشفته است و مردم در امان نیستند مشکل یا غیرممکن است، شما برادران غرب کوشش کنید و آرامش را حفظ کنید و بدانید که با آرامش کارها اصلاح میشود و به صلاح شما و به صلاح اسلام و مسلمین است.

۴- از هیات ویژه می‌خواهم که به مذاکرات خود با کمال حسن نیت ادامه دهند، و با شخصیت‌های مذهبی و سیاسی و ملی و سایر قشرها تماس بگیرند، تا تأمین خواسته‌های آنان، که خواست ما نیز هست به‌طور دلخواه بشود و آرامش و امن، که از بزرگترین نعمتهای الهی است در منطقه برقرار گردد، و شما برادران کرد در کنار سایر برادران به‌طور رفاه و آسایش زندگی نموده و طمع اجانب برای همیشه از کشورمان قطع شود.

۵- اسلام بزرگ، تمام تبعیضها را محکوم نموده و برای هیچ گروهی ویژه‌گی خاصی قرار نداده، و تقوا و تعهد به اسلام تنها کرامت انسانها است، و در پناه اسلام و جمهوری اسلامی حق اداره امور داخلی و محلی و رفع هرگونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی متعلق به تمام قشرهای ملت است،

منجمله برادران کرد، که دولت جمهوری اسلامی موظف و متعهد به تامین آن در اسرع وقت میباشد و مقررات و قوانین مربوط به آن، به زودی - انشاء الله تعالی - تدوین میشود.

۶- اخیراً باز نظر شریف علماء اعلام و مشایخ عظام و روشنفکران و سایر برادران عزیز در سراسر ایران را به موضوع حساس امروز ایران و جبهه-گیریهای دشمنان میهن و اسلام، در مقابل ملت عزیز، و تشبثات همه جانبه آنان، برای سرکوبی نهضت اسلامی و ملت معظم و برای اعاده سلطه همه جانبه بر کشور اسلامی ما جلب میکنیم، آیا در این موقع تقاضای متواضعانه‌ی این خدمتگزار که روزهای آخر عمرش را میگذراند به جا نیست.

خواهران و برادران هم‌میهن در سراسر کشور، من دست خود را به پیش شما دراز میکنم و از شما به خاطر خدا و اسلام و کشور عاجزانه میخواهم که تمام توان خود را برای نجات کشورتان بکار برید، و اسلحه‌های سرد و گرم، یعنی قلم و بیان و مسلسل را، از نشانه‌گیری به روی یکدیگر منحرف و به سوی دشمن‌های انسانیت که در رأس آن امریکا است نشانه روید. بارالها، من مأموریت خود را که نصیحت به ملت، است به قدر توان ضعیف خود انجام دادم، و تو، ای خدای بزرگ با قدرت لایزال خود قلوب ما را پیوند برادرانه عطا نما: «انک قریب مجیب». سلام گرم من به ملت عزیز و برادران کرد، و رحمت خداوند بر همه.

روح الله الموسوی الخمینی

۲۶ آبان ۵۸-۲۶- ذی الحجه ۹۹

منجمله برادران کرد، که دولت جمهوری اسلامی موظف و متعهد به تاسیس آن در اسرع وقت میباشد و مقررات و قوانین مربوط به آن، به زودی— انشاءالله تعالی— تدوین میشود.

۶- اخیراً بازنظر شریف علماء اعلام و مشایخ عظام و روشنفکران و سایر برادران عزیز در سراسر ایران را به موضوع حساس امروز ایران و جبهه-گیریهای دشمنان میهن و اسلام، در مقابل ملت عزیز، و تشبیهات همه جانبه آنان، برای سرکوبی نهضت اسلامی و ملت معظم و برای اعاده سلطه همه جانبه بر کشور اسلامی ما جلب میکنیم، آیا در این موقع تقاضای متواضعانه‌ی این خدمتگزار که روزهای آخر عمرش را میگذراند به جا نیست.

خواهران و برادران هم‌میهن در سراسر کشور، من دست خود را به پیش شما دراز میکنم و از شما به خاطر خدا و اسلام و کشور عاجزانه می‌خواهم که تمام توان خود را برای نجات کشورتان بکار برید، و اسلحه‌های سرد و گرم، یعنی قلم و بیان و مسلسل را، از نشانه‌گیری به روی یکدیگر منحرف و به سوی دشمن‌های انسانیت که در رأس آن امریکا است نشانه روید. بارالها، من باسوریت خود را که نصیحت به ملت، است به قدر توان ضعیف خود انجام دادم، و تو، ای خدای بزرگ با قدرت لایزال خود قلوب ما را پیوند برادرانه عطا نما: «انک قریب مجیب». سلام گرم من به ملت عزیز و برادران کرد، و رحمت خداوند بر همه.

روح الله الموسوی الخمینی

۲۶ آبان ۵۸-۲۶- ذی الحجه ۹۹

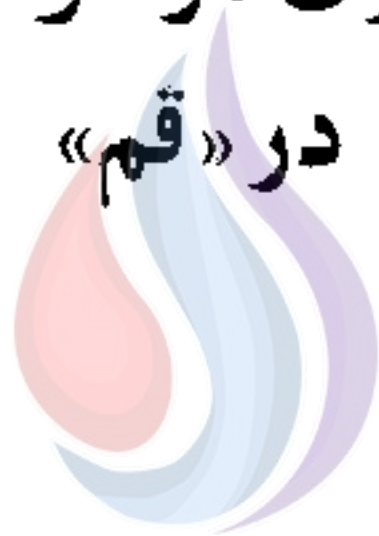
قسمتی از سخنان

«امام خمینی»

خطاب به

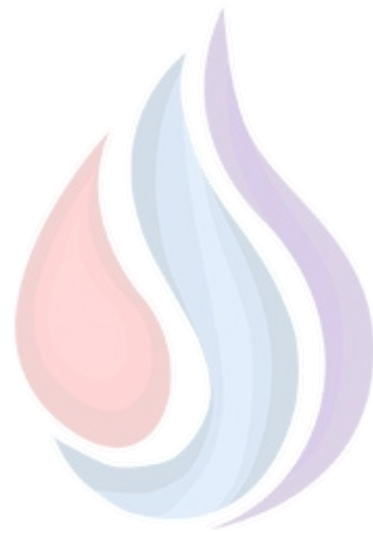
پاسداران مرکز تهران

در «قم»



TerrorSpring

۵ آذر ۵۸ – ۶ محرم ۱۴۰۰



TerrorSpring

متن حاضر فقط بخشی از سخنان «امام» می باشد. متن کامل که گفته می شود حاوی نکات مهم دیگری نیز بوده است، مثلثانه علی‌رغم تمام تلاشهایی که کردیم تا این ساعت از هیچ منبعی به دست ما نرسیده. امیدواریم با کمک های خود شما دسترسی و انتشار متن کامل هرچه زودتر میسر گردد.

بسم الله الرحمن الرحيم

شما غافلید که الان ما با آمریکا که مجهز به همهٔ جهازهای درجه اول دنیا است، یعنی یک قوه‌ای است که در دنیا مقابل ندارد، روبرو هستیم. اما ما مجهزیم به یک قدرت بالاتر از او، و آن توجه به خدا و به اسلام است. ولی نباید فراموش کنیم که ما مواجه‌ایم با یک چنین قدرت بزرگ، که علاوه بر قدرت تسلیحاتی، قدرت‌های بزرگ شیطانی هم دارد، که الان در همهٔ دنیا فعالیت و تبلیغات می‌کند و وادار می‌کند مسالک دیگر را، که آنقدر که بتوانند خود را علیه ما تجهیز کنند، از این جهت، من آن چیزی را که به صلاح ملت و به صلاح اسلام است و به صلاح شما است، باید عرض کنم و آن اینکه، تشنج صحیح نیست، و قوای شما باید الان همه مجتمع در یک راه باشد.

قوای فکریتان، قوای غیرفکریتان، همه باید در یک راه برود. شما می‌خواهید برای اسلام خدمت بکنید، الان در رأس همهٔ مسائل اسلامی ما، قضیهٔ مواجهه با آمریکا است. امروز اگر قوای ما از هم منفصل شوند، به نفع آمریکا است و الان دشمن ما امریکا است و باید تمام تجهیزات ما به طرف این دشمن باشد. سبباً یک وقتی، یک تبلیغات سوئی بشود و نظرهای ما تشتت پیدا کند و افکارمان افکار مختلف بشود و در نتیجه ما یک افکاری داشته باشیم و شما یک افکاری داشته باشید و دستجات دیگر، افکار دیگری داشته

باشند. باید الان همه افکار یک چیز باشند. چطور در آن وقتی که ما مواجه با این قدرت شیطانی داخلی بودیم، هیچ دیگر تثنی در کار نبود. همه با هم یک فکر داشتید و همه «الله اکبر» می گفتید و مقابله با یک چنین قدرتی می کردید. شما الان می دانید که مقابله ما با یک قدرتی است که قدرتش صدها برابر و بلکه زیاده از آن قدرت قبلی است. شما امروز یک چنین حالی دارید و مملکتان یک چنین حالی دارد. مملکت شما الان یک حالی دارد که اگر دیر بجنبیم، برای همیشه، تا آخر، از بین رفته ایم. همه باید یکصدا باشید. سر و صدای امروز، فقط مقابله با امریکا است. امروز هر سروصدائی بلند بکنید که غیر از این مسیر باشد، بدانید که بردش را آنها می برند. شما این را بدانید که من به شماها علاقه دارم، به پاسدارها علاقه دارم، پاسدارها بودند که مملکت ما را در چنین زمانی که هیچکس نمی توانست حفظ بکند. حفظ کردند. الان هم حفظ می کنند. این یک علاقه الهی است که ما به شما داریم و این را بدانید که یک مطلبی که برخلاف صلاح شما باشد، برخلاف صلاح اسلام است و ما نخواهیم زد، لکن اگر یک مطلبی را من الان به شما گفتم که باید راه را چطوری رفت، بدانید که این هم، صلاح شما است و هم صلاح مملکتان، باید ما همه قوایمان را مجتمع کنیم، برای نجات دادن کشور. باید اگر مسائلی برایمان پیش بیاید، هرچه هم سخت باشد، تحمل کنیم. باز من تکرار می کنم که بدانید شما با یک قدرتی مواجه هستید که اگر غفلت بشود، مملکتان از بین می رود.

غفلت نباید بکنید، غفلت نکردن به این است که همه قوا را، و هرچه فریاد دارید، سر امریکا بکشید. هرچه تظاهرات دارید برضد امریکا بکنید، قوای خودتان را مجهز بکنید و تعلیمات نظامی پیدا کنید و به دوستانان تعلیم دهید. به همه اشخاصی که همین طوری راه می روند، تعلیمات نظامی بدهید.

مملکت اسلامی، باید همه اش نظامی باشد و تعلیمات نظامی داشته باشد. یکی از ابواب فقه، باب «رمی» است، باب تیراندازی است. آنوقت

تیراندازی بوده، حالا هم تیراندازی هست به یک طور دیگری. در اسلام با اینکه «رهان» یعنی یک چیزی را بگذارند برای چیزی که نظیر قماربازی می‌شود، حرام است، برای تیراندازی حرام نیست. برای اسب‌دوانی حرام نیست. «سبق» و «رمایه» یکی از مسائل فقه است. برای اینکه، برای همه افراد مستحب است که سواری را یاد بگیرند، حالا اتومبیل‌سواری و رانندگی را یاد بگیرند، و برای همه است که تیراندازی را یاد بگیرند، فنون جنگی را یاد بگیرند. باید ملت ما، جوانهایشان، مجهز باشند. به همین جهاز، و علاوه بر جهاز دینی و ایمانی که دارند، مجهز به جهازهای مادی و سلاحی هم باشند و یاد گرفته باشند. اینطور نباشند که یک تفنگی که دستشان آمد، ندانند با آن چه کنند. باید یاد بگیرند و یاد بدهند. جوانها را یادشان بدهید. همه جا باید اینطور بشود، که یک مملکتی بعد از چند سالی — که بیست میلیون جوان دارد — بیست میلیون تفنگدار داشته باشد، و بیست میلیون ارتش داشته باشد، و یک چنین مملکتی آسیب پذیر نیست و الان هم بحمدالله آسیب پذیر نیست، الان هم ما پشتیبانمان خداست و ما برای او نهضت کردیم، برای پیاده کردن دین او نهضت کردیم، و خدا با ماست و من امیدوارم که شکست برای شما نباشد. خداوند، همه‌تان را حفظ کند و این معنائی را که عرض کردم، توجه به آن داشته باشید. به رفقای که دارید، به دستجاتی که هستند و هر جا که هستند، توجه بدهید که امروز یک روزی است که همه با هم یک مطلب را باید بگوئیم. همان که الان شعار مردم شده. الان محرم است و همه دستجات بیرون می‌آیند و دستجات باید عزاداری بکنند، عزاداری، مهم است. در ضمن عزاداری، همان شعارهایی هم که می‌دهند بدهند. ولی عزاداری‌شان هم باید باشد. خداوند همه شما را انشاءالله حفظ کند من دعاگوی همه شما هستم.

پیام «امام خمینی»

به

«شورای امنیت» فرمایشی

به هنگام تشکیل این شورا

برای رسیدگی به مسئله‌ی جاسوسان آمریکائی

در ایران

TerrorSpring

۶ آذر ۵۸ - ۷ محرم ۱۴۰۰

بسم الله الرحمن الرحيم

این روزها زمزمه‌ی آنست که، شورای امنیت، برای رسیدگی به امر گروگانها، که نزد ملت ما جاسوسی آنها ثابت است، تشکیل شود. آقای کارتر پس از مانور نظامی-سیاسی، راضی شده‌اند که شورای امنیت فقط برای رسیدگی به این امر تشکیل شود، غافل از آنکه ملت ما میدانند که هر شورائی یا محکمه‌ای که تحت نفوذ مستقیم امریکا تشکیل شود، از اول رأی آنان دیکته شده است، و محکومیت ملت مظلوم ما مورد استقبال آنان است. ملت ما با شورای امنیت فرمایشی که از اول تکلیف آن معلوم شده موافق نیست. رسیدگی به امر شاه مخلوع و امر جاسوسان در مرکز جاسوسی، جز در ایران امکان ندارد، زیرا علائم و شواهد جرم در ایران است، و قابل انتقال به غیر از ایران نیست. ما قریب صدها هزار شهید داده‌ایم و چندین میلیون شاهد، و بیش از صدهزار معلول داریم که امکان ندارد به خارج روند و عرضه شوند و شهادت دهند، علاوه بر پرونده‌های بسیاری که در این جا است. و رسیدگی به امر لانه جاسوسی باید در همان محل به اصطلاح سفارت صورت گیرد، زیرا شواهد جرم در همان محل است. با توجه به مراتب فوق، تشکیل هر محکمه یا شورایی برخلاف موازین قضائی، از نظر ملت ما مردود است. ملت عزیز ما باید بدانند که در این میدان پیروز، و به خواست خداوند تعالی، و با اتکاء به قدرت اسلام و ایمان، نقشه‌های شوم قدرتمندان، یکی

پس از دیگری نقش برآب خواهند شد. من برای چندمین بار تکرار می‌کنم، که در این امر حیاتی، قشرهای ملت با هر مسلکی که دارند و با هر فکر سیاسی یا مذهبی که دارند، لازم است وحدت خود را حفظ نموده و علیه جنایات بی‌شمار دولت آمریکا، موضعی خصمانه گرفته و اشکال‌تراشی و تفرقه‌اندازی که به‌سود دشمنان کشور ما است نباشند.

والسلام علی عبادالله الصالحین

روح‌الله الموسوی‌الخمنی

ششم آذر ۱۳۵۸ ۷ محرم الحرام ۱۴۰۰



TerrorSpring



بها : ۲۰ ریال

Terrospring



ازانتشارات: سازمان مجاهدین خلق ایران

